

سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در پنجمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

خلق ایران (اکثریت) تقدیم می کند. جنبش فدائیان امسال ۲۷ ساله می شود و علی رغم همه فراز و نشیب ها و دشواری ها فدائیان خلق در طول تاریخ حیات خود در راه آرمان های توده های کار و زحمت رزمیده اند، در این راه صدها شهید داده اند، زندان کشیده اند و مصایب و زجرهای زیادی را تحمل کرده اند. حزب توده ایران علی رغم تفاوت های دیدگاهی که در مقاطع مختلف این تاریخ با جنبش فدائیان داشته و دارد همواره به این مبارزه به دیده احترام نگریسته و آن را بخش جدایی ناپذیری از جنبش رهایی بخش خلق های میهن ما ارزیابی کرده است. ما

ادامه در ص ۶

پنجمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دی ماه سال جاری برگزار شد. به دعوت شورای مرکزی سازمان نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز از جمله مهمانان شرکت کننده در کنگره بود. نماینده کمیته مرکزی در سخنرانی کوتاهی ضمن اشاره به مبارزات فدائیان خلق ایران در طول بیش از ۲۷ سال تاریخ معاصر کشور ما و آرزوی موفقیت کردن برای پنجمین کنگره رفقای فدایی به تشریح مواضع حزب در مورد سیمای کنونی چپ و تحولات ایران پرداخت. متن کامل سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب به شرح زیر است.

« رفقای گرامی

کمیته مرکزی حزب توده ایران، دروهای گرم رفقای توده ای را به شما شرکت کنندگان در پنجمین کنگره سازمان فدائیان

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۳، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۳۰ دی ماه ۱۳۷۶

درس گیری از «معجزه» اقتصادی «ببرهای آسیا»

در صفحات ۵، ۴

در محکومیت موج ترور در الجزایر

کشتار سبعانه صدها تن از ساکنان دهکده هایی در غرب الجزایر که در میان آنها تعداد کثیری زنان و کودکان وجود داشتند توجه افکار عمومی جهان را متوجه این کشور کرده است. در ۶ سال گذشته دهها هزار شهروند بی گناه به دست گروه های ترور کشته شده اند.

در روز ۹ ژانویه اتحادیه اروپا تصمیم به فرستادن گروه تحقیق و مطالعه شواهد در مورد کشتارها در الجزایر را اعلام کرد. رابین کوک، وزیر خارجه انگلیس گفت: «اتحادیه

ادامه در ص ۷

در این شماره

- محمد قاضی در گذشت در ص ۲
- کارگاه حقوق بشر در تهران در ص ۲
- یورش تبلیغاتی علیه خاتمی در ص ۲
- مانور تحریک آمیز ناتو در ص ۷
- اطلاعیه حزب کمونیست آمریکا در مورد
- نفو تبصره ضد کمونیستی در ص ۸

مصاحبه رادیو پژواک با «نامه مردم»

در پی درخواست رادیو پژواک (که برای هم میهنان ایرانی در سوئد برنامه پخش می کند) از نیروها و شخصیت های سیاسی برای اظهار نظر در مورد دولت خاتمی و تحولات ماه های اخیر از سوی تحریریه «نامه مردم» پاسخی در این زمینه در اختیار رادیو پژواک قرار گرفت. از آنجایی که رادیو پژواک تنها به نقل بخش های کوتاه و بریده ای از این پاسخ اکتفاء کرد، و در پی درخواست گروهی از خوانندگان، رفقا و دوستان حزب متن کامل پاسخ «نامه مردم» برای اطلاع خوانندگان عزیز درج می شود.

د نظر حزب توده ایران در مورد دولت خاتمی (خواسته ها، برنامه های اعلام شده و توانایی هایش) چیست؟

تأمین عدالت اجتماعی، پایان دادن به جو فشار، استقرار قانون و جامعه مدنی از جمله رئوس کارزار انتخاباتی آقای خاتمی بود که در جریان انتخابات دوم خردادماه مطرح و قول تحقق آن به مردم داده شد. حزب توده ایران در ارزیابی شرایط کشور و دولتی که از سوی آقای خاتمی به مجلس شورای اسلامی معرفی شد به این نتیجه گیری رسید که ترکیب دولت جدید که عمدتاً از میان چهره های شناخته شده رژیم و خصوصاً دولت قبلی انتخاب شده بودند نگرانی های جدی را در میان آحاد مختلف مردم پیرامون تحقق قول ها و برنامه های انتخاباتی ایجاد کرده است. زمزمه ادامه سیاست تعدیل اقتصادی به عنوان یگانه سیاست ممکن و مجموعه سیاست هایی که تاکنون اتخاذ شده است از جمله در روزهای اخیر آزاد کردن دست انحصارها و سرمایه خارجی برای سرمایه گذاری در ایران بدون هیچگونه محدودیتی بر این نگرانی ها می افزاید. به گمان ما نمی توان همان سیاست های فاجعه بار دولت رفسنجانی را

ادامه در ص ۳

رابطه با آمریکا اهداف و دیدگاه ها

مصاحبه سید محمد خاتمی با شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان» و پیام او به مردم آمریکا بازتاب گسترده ای در داخل و همچنین سایر کشورهای جهان داشت. اکثر مفسران سیاسی خارجی و همچنین برخی از مفسران داخلی این پیام را به مشابه پیش درآمدی بر حرکات بعدی برای عادی سازی روابط با دولت آمریکا ارزیابی کرده اند و آن را بخشی از حرکت جدید دیپلماسی جمهوری اسلامی، برای خروج از انزوای سیاسی، در ماه های اخیر می دانند. وزارت امور خارجه آمریکا نیز با ابراز تمایل به عادی شدن روابط با ایران، از دولت جمهوری اسلامی خواست تا برای حل مسایل وارد مذاکره مستقیم با این کشور شود. موضوع برقراری روابط مجدد با آمریکا مسأله تازه ای در تحولات سیاسی کشور ما نیست. در سال های اخیر، خصوصاً پس از مرگ خمینی، مسأله آغاز مذاکره با آمریکا هرچند گاهی از سوی دولت مردان جمهوری اسلامی طرح گردیده است، حرکت هایی به این سمت آغاز و سرانجام با بالاگرفتن درگیری های داخلی به نقطه شروع خود بازگشته است. تلاش های چندین بار رفسنجانی در دوران زمامداری او به مشابه رئیس جمهور رژیم، از

ادامه در ص ۳

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



دکارگاه بررسی حقوق بشر در ایران

بر اساس گزارش خبرگزاری رویتر (۱۲ ژانویه ۱۹۹۸)، سازمان ملل متحد یک «کارگاه منطقه ای حقوق بشر» را در فوریه سال جاری در تهران برگزار خواهد کرد. یک سخنگوی سازمان ملل متحد در تهران اعلام کرد که: ششمین کارگاه آسیا و اقیانوسیه برای تبلیغ و حفاظت از حقوق بشر از تاریخ ۲ تا ۴ فوریه در تهران برگزار خواهد شد. بر اساس همین گزارش نمایندگان و مسئولان ارشد از ۴۶ کشور منطقه در نشست تهران شرکت خواهند کرد. هدف از برگزاری این نشست براساس گفته سخنگوی سازمان ملل، گام برداشتن در راه ایجاد «شبکه ای منطقه ای برای حفظ و تبلیغ حقوق بشر است». لازم به تذکر است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست آذرماه خود (دسامبر ۱۹۹۷) با تصویب قطعنامه ای جمهوری اسلامی را به خاطر ادامه سرکوب حقوق بشر (از جمله اعدام های زیاد و زیر پا گذاردن حقوق زنان و اقلیت های مذهبی و همچنین شکنجه و آزار دگراندیشان و زندانیان سیاسی) محکوم کرد. دولت ایران نیز مطابق معمول بارد مفاد این مصوبه آن را یک «حرکت سیاسی» علیه جمهوری اسلامی ارزیابی کرد.

یورش تبلیغاتی جناح «رسالت» علیه مصاحبه خاتمی

در پی پخش مصاحبه محمد خاتمی با کریستین امان پور، مصاحبه گر شبکه تلویزیونی سی.ان.ان، روزنامه های جناح «رسالت - حجتیه» کارزار گسترده تبلیغاتی را علیه این مصاحبه آغاز کردند. روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله روز شنبه ۲۰ دی ماه خود در این زمینه مصاحبه را دارای «ایرادهای جدی و تأسف بر انگیزی» دانست و نوشت: «اما در این مصاحبه بعضی موارد نیز مطرح شد که برای دوستان انقلاب و انقلابیون تازگی دارد و متأسفانه قابل تحلیل نیست و ممکن است باعث بروز تردیدها و تناقضات جدی گردد...» روزنامه سپس ضمن انتقاد از اظهار تأسف خاتمی در مورد سوزاندن پرچم آمریکا و تفسیر جدید او از «شعار مرگ بر آمریکا» در انتها می نویسد: «خلاصه کلام اینکه پیروان و دوستداران انقلاب اسلامی در پایان این مصاحبه احساس عزت نکردند و این آن چیزی نبود که انتظارا را داشتند...» روزنامه کیهان و رسالت نیز به نوبه خود بخش های مشابه این پیام را مورد حمله قرار دادند و دست آورد آن را در مجموع منفی ارزیابی کردند. روزنامه «رسالت» نیز در سرمقاله ای با عنوان «کسی از انقلاب دوم متأسف نیست»، ضمن اشاره به تاریخ دخالت های آمریکا در

ایران، از ۲۸ مترداد تا انقلاب، می نویسد: «آنچه تحت عنوان ظرف زمان از سوی رئیس جمهور محترم ایران مطرح گردید در غرب به عنوان نوعی اظهار تأسف از گذشته تلقی شد ولی واقعیت این است که در شرایط زمانی ۱۳ آبان، گروگان های آمریکایی لایق مجازات بودند و در ایران امروز کسی از انقلاب دوم متأسف نیست...»

دفرصت مناسبی « برای حمله به خاتمی

«علی ربیعی» مدیر مسؤول روزنامه «کار و کارگر» در دفاع از سخنان خاتمی مصاحبه ای با روزنامه ایران (چهارشنبه ۲۴ دی ماه) دارد که در آن از جمله می گوید: «همه کسانی که دغدغه گسترش مبانی انقلاب اسلامی در سطح جهان را دارند، می بایست جبهه خردمندانه و تأثیر گذاری که رئیس جمهور با پیام خود به ملت آمریکا گذاشته اند را تقویت کنند هر چند که آقای خاتمی با کلمات مانوس آنها سخن نگفته باشد... به کسانی که فکر می کنند فرصتی فراهم شده است تا ادامه برنامه تخریبی «کارناوال شادی» در ایام انتخابات را پی بگیرند... هشدار می دهم، هنوز برخی از حرف های ناگفته مانده است که با مردم در میان گذاشته نشده است... اطلاع کسب کرده ام که در برخی محافل صحبت شده است که فرصت مناسبی فراهم شده که وارد صحنه شویم و بر علیه آقای خاتمی اقدام کنیم...»

۶/۳ میلیارد دلار قرض برای اجرای طرح های مشخص

بر اساس گزارش روزنامه اطلاعات (پنجشنبه ۲۵ دی ماه) محمد باقر نوبخت ممبر کمیسیون اصلی رسیدگی به لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ گفت: با تصویب مجلس شورای اسلامی دولت در سال آینده برای پیشبرد طرح های مشخص شده در قانون بودجه می تواند به میزان ۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به صورت ببع متقابل و فاینانس از تسهیلات مالی خارجی استفاده کند. بر اساس اظهارات نوبخت «برنامه دوم علاوه بر مشخص کردن میزان ببع متقابل و فاینانس تصریح کرده است که تا پایان برنامه دوم حداقل ۸ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار از سقف تعهدات خارجی ایران کاهش یابد... در برنامه دوم همچنین تأکید شده که در پایان این برنامه در هر صورت نباید ارزش کلی بدهی کشور بیش از ۲۵ میلیارد دلار باشد...» به گفته نوبخت وام ۶ میلیارد دلاری که امسال در نظر گرفته شده است عمدتاً برای طرح های مشخص در زمینه بهره برداری از میادین نفتی و گازی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

هشدار ایران در مورد احداث خط لوله نفتی

در زیر دریای خزر

علی ماجدی، معاون وزیر نفت در امور نفت و گاز دریای خزر، به دولت ها و شرکت های خارجی در مورد احداث هر گونه خط لوله در زیر دریای خزر هشدار داد و آن را منوط به تعیین شدن رژیم حقوقی این دریا دانست. بر اساس این گزارش مذاکرات کلی در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر میان پنج کشور حاشیه آن صورت گرفته است که تاکنون به نتیجه مشخصی نرسیده است و محتاج زمان بیشتری است. بر اساس اظهار نظر ماجدی منابع اثبات شده نفت در دریای خزر حدود ۱۵/۵ میلیارد بشکه است

محمد قاضی در گذشت

در آخرین لحظاتی که روزنامه برای چاپ آماده می شد، مطلع شدیم که محمد قاضی مترجم مترقی، توانا و مردمی کشورمان، روز سه شنبه ۲۳ دی ماه در یکی از بیمارستان های تهران درگذشت. محمد قاضی از نام دار ترین مترجمان کشور ما بود که کار ترجمه را از سال ۱۳۱۸ با ترجمه «کلود ولگرد» اثر جاودان ویکتور هوگو آغاز کرد و تا پایان عمر پر بارش، کار ترجمه بیش از ۶۸ کتاب، از جمله آثار مشهوری چون تلماک، اثر فرانسوا فلن، نان و شراب اثر اینیا تسیسولونه، بردگان سیاه، اثر کابیل آستوت، تاریکترین زندان، اثر ایوان اولبرخت، آلاخون و الاخون اثر ایوان وازوف، تاریخ ارمنستان اثر هراوند پاسدراماجیان و... با قلمی شیوا و توانا به اتمام رساند. «نامه مردم» ضایعه درگذشت محمد قاضی را به تمامی خانواده و دوستان او و جامعه ادبی - فرهنگی میهن ما تسلیت می گوید. امید است بتوانیم در شمارهای بعدی آن طور که شایسته محمد قاضی است به تجلیل از زندگی پربارش بپردازیم.

یورش به مراسم بزرگداشت در تهران

مطلع شدیم که مزدوران «حزب الله» به مراسم بزرگداشت محمد قاضی در تهران حمله کردند. یورش گزمگان واپسگرایی با شعار «مرگ بر کمونیسم» به مراسم بزرگداشت محمد قاضی در تهران بار دیگر نشانگر ابعاد وحشت رژیم ارتجاع از کار و اثر معنوی چهره های مترقی و مردمی همچون محمد قاضی در میهن ماست.

و منابع بیش بینی شده نفت این دریا به ۱۶۲ میلیارد بشکه برآورده شده است. بخش بزرگی از این منابع در کم عرض ترین بخش های این دریا، در سواحل آن در شرق و غرب قرار دارد و به ترکمنستان و آذربایجان وصل می شود.

دست دوستی

بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، کلاوس کینکل، وزیر امور خارجه آلمان در جمع خبرنگاران خارجی در برلن اظهار داشت که: «دولت جدید ایران خود را صادق و آماده برای بحث نشان می دهد. بنابراین ما آلمانی ها به عنوان یک کشور اروپایی تصمیم گرفته ایم سال ۱۹۹۸ را به سال آغازی جدید تبدیل کنیم.» بر اساس همین گزارش کینکل در ادامه همین سخنان افزود: «ما می خواهیم دست دوستی را که دراز شده بفشاریم اما مایل نیستیم مسائل مورد انتقاد را در نظر نگیریم...»

مذاکرات تهران - بغداد

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی محمد سعید الصحاف، وزیر امور خارجه عراق در رأس یک هیأت بلند پایه وارد تهران شد و مورد استقبال دکتر محمد صدر معاون وزیر امور خارجه ایران قرار گرفت. بر اساس همین گزارش ها نامبرده که جمعه شب ۲۶ دی ماه وارد تهران شد به خبرنگاران گفت که هدف از مسافرتش به تهران عادی سازی روابط بغداد و تهران است. محمد سعید الصحاف روز شنبه با کمال خرازی وزیر امور خارجه رژیم دیدار و گفتگو کرد و طرفین رضایت خود را از پیشرفت مذاکرات اعلام کردند.

ادامه مصاحبه رادیو پروانک ...

که به تخریب اقتصاد ملی، بالا آوردن ده ها میلیارد بدهی خارجی، افزایش بیکاری و تشدید فشار اقتصادی و فقر و محرومیت در جامعه منجر شده است ادامه داد و در عین حال در راه تأمین عدالت اجتماعی گام برداشت. سیاست تعدیل اتخاذ شده از سوی دولت رفسنجانی ماهیتاً با عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار محروم و حرکت به سمت دور شدن از الگوی مصرفی به سمت تولید و برنامه ریزی طولانی مدت برای صنعتی کردن کشور در تضاد است و لذا نمی توان به نتایجی جز آنچه که ما امروز شاهد آن هستیم بیانجامد. عدالت اجتماعی تنها با تقسیم عادلانه ثروت در جامعه امکان پذیر است و تقسیم عادلانه ثروت نیز با آنچه که در هشت سال دولت رفسنجانی گذشت و تشدید شکاف عظیم طبقاتی در درون جامعه هیچگونه همخوانی ندارد.

در زمینه حرکت به سمت استقرار حکومت قانون و جامعه مدنی نیز ما در ماه های پس از انتخابات نه تنها هنوز هیچ نشانه جدی و مثبتی را در این زمینه ندیده ایم، بلکه تمام شواهد و قرائن از ادامه سیاست های گذشته و حضور روز افزون ارگان های فشار و سرکوب مانند «انصار حزب الله» و وزارت اطلاعات در عرصه های مختلف حکایت می کند. عملکرد قوه قضائیه، دستگیری های وسیع در شهرداری تهران و تهدید اخیر سایر وزرا و معاونین وزرا و تشدید جو تبلیغاتی علیه مخالفان «ولایت فقیه» نشانه های منفی جدی از ادامه همان مجموعه سیاست های است که مردم ما در انتخابات دوم خرداد ماه علیه آن رأی دادند.

حزب توده ایران برخلاف برخی از نیروها که ارزیابی تحولات کشور را منوط به توان و خواست های یک فرد - خاتمی به عنوان رئیس جمهور منتخب کرده اند معتقد است که می بایست به مجموعه ساختاری که اهرم قدرت سیاسی در کشور را در اختیار دارد توجه کرد. منظور ما رژیم «ولایت فقیه» و ارگان های وابسته به آن مانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس خبرگان، نهادهای سرکوبگر و غیره است. «ولایت فقیه» به عنوان پایه و اساس استبداد فردی در مقابل دموکراسی و خواست اکثریت مردم سد اساسی است که جلوی هرگونه حرکت پایدار و دموکراتیکی را به سمت تحقق آزادی و استقرار جامعه مدنی و قانون گرفته است و تا روزی که این ساختار اساس حاکمیت حاکم بر مین ما را تشکیل می دهد نیز وضع چنین خواهد بود. برای رژیم «ولایت فقیه» به اعتراف روشن محمد یزدی رئیس قوه قضائیه ملاک نه رأی و خواست مردم بلکه «احکام الهی» است که به رژیم کنونی مشروعیت بخشیده است. توجه به بحث هایی که در هفته های اخیر نیز در محافل درون کشور پیرامون این موضوع در جریان است نشانگر حساسیت رژیم در این زمینه است. همان طوری که می دانید رفسنجانی در حرف هایی که در روزهای اخیر زد، بار دیگر تکرار کرد که اساس و پایه های حفظ «نظام» کنونی «ولایت فقیه» است. دولت کنونی و رئیس جمهور آن نیز تا زمانی که بخواهد در چارچوب ارضای این خواست ها و در قید و بند های «ولایت فقیه» حرکت کند، نخواهد توانست هیچ گام اساسی در راه تغییر اوضاع کشور بدهد. فراموش نکنیم که هاشمی رفسنجانی نیز در آغاز دوران ریاست جمهوری خود قول های زیادی در مورد تغییر اوضاع «گشودن فضای سیاسی کشور»، «آزادی احزاب» و «دعوت ایرانیان به بازگشت به کشور» داد و کم نبودند نیروهایی چه در داخل و چه در خارج از کشور، که پیش بینی های گوناگونی را پیرامون تحقق «آزادی» و «رفرم» در ایران کردند. تجربه ۸ ساله دوران رفسنجانی و رفرم های بسیار سطحی که به سرکوب خشن و خونین اعتراض های مردمی در گوشه و کنار کشور منجر شد، بهترین نمونه در اثبات نادرست بودن چنین ارزیابی هایی است. به گمان حزب توده ایران وظیفه نیروهای سیاسی کشور نه «پیش بینی سیاسی» که بسیج نیرو برای پیش بردن مبارزه ای است که مردم با حضور چشمگیر خود در ۲ خرداد ماه ۱۳۷۶ آغاز کردند. شعارهای این مبارزه همان طوری که در بالا اشاره کردیم، عدالت اجتماعی، آزادی و استقرار جامعه مدنی و قانون است که تحقق آنها تنها با مبارزه گسترده توده ای ممکن است. مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» مهمترین حلقه از زنجیر مبارزه ای است که می بایست با پیگیری، صبر و حوصله آن را به پیش برد. انتخابات دوم خرداد به مثابه حکم تاریخی توده ها به رد و نفی رژیم «ولایت فقیه» تنها نخستین گام در نبرد است که می بایست در انتها به طرد استبداد، ارتجاع و واپسگرایی در مین ما منجر شود. «

ادامه رابطه با آمریکا ...

جمله نمونه های روشن چنین اقدام هایی است. علی رغم سروصداها و جنجال های تبلیغاتی گسترده ای که هم اکنون از سوی جناح «رسالت - حجتیه» در انتقاد به مواضع خاتمی به راه افتاده است، موضوع خارج کردن ایران از انزوای سیاسی، مسأله ای است که رهبری رژیم از خامنه ای تا رفسنجانی و دولت جدید بر سر آن توافق دارند. بحث در این زمینه نه بر سر منافع ملی و ایجاد روابط مستقل و دموکراتیک خارجی با سایر کشورهای جهان، که اساساً بر سر پیدا کردن راه چاره ها برای حفظ و ادامه رژیم «ولایت فقیه» با توجه به بحران فزاینده اقتصادی - اجتماعی است. اتفاقی نیست که محمد جواد لاریجانی، از سردمداران گروه «رسالت»، درست قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به انگلستان سفر می کند و در دیدارهای مخفیانه ای، که بعداً افشاء شد، با مقام های این کشور قول عادی سازی روابط ایران و غرب را به آنها می دهد.

تجربه ۱۸ ساله گذشته نشان داده است که سران رژیم جمهوری اسلامی علی رغم شعارهای تند و فریبکارانه «ضد امپریالیستی» آماده اند تا هرگام و حرکتی را برای بقای سیاسی خود بردارند. روابط پنهانی با آمریکا و اسرائیل در زمان خمینی، سفر فرستاده ویژه ریگان به تهران و ماجراهایی که بعداً به رسوایی «ایران گیت» منجر شد، گواه روشن بر این واقعیت است.

آنچه که می توان در باره حرکات اخیر رژیم گفت این است که حرکات اخیر رئیس جمهور بی شک بدون مشورت با خامنه ای و رفسنجانی صورت نگرفته است و علی رغم شعارهای خامنه ای در صحبت های اخیرش، سران رژیم می دانند که برای حفظ و بقای رژیم «ولایت فقیه»، آنهم در شرایط کنونی بین المللی نیازمند به خروج از انزوای سیاسی و برقراری روابط گسترده با کشورهای منطقه و کشورهای غربی که بخش عمده اقتصاد کشور به آن وابسته است می باشند. اتفاقی نیست که پیام رئیس جمهور در شرایطی پخش می شود که دولت آمریکا مشغول تصمیم گیری در مورد اعمال مجازات اقتصادی علیه شرکت «توتال» به خاطر امضای قرار داد ۲ میلیارد دلاری نفتی با ایران بود. و باز هم اتفاقی نیست که کشورهای غربی از این حرکت ایران استقبال کنند و زمینه را برای عادی سازی روابط با ایران، خصوصاً پس از محکوم شدن سران رژیم جمهوری اسلامی در دادگاه میکونس، مناسب می بینند. برای کشورهای غربی و همچنین آمریکا ایران کشور بزرگ و مهمی در قلب خاورمیانه است که نقش حساسی در تحولات این منطقه و همچنین آسیای میانه می تواند داشته باشد. برقراری روابط حسنه با ایران و تأثیر گذاری در سیاست روز آن می تواند به عنوان عامل ثبات و آرامش برای اجرای سیاست های غرب در سراسر منطقه باشد. سخنان رابین کوک وزیر امور خارجه انگلستان در واشنگتن و تقاضای دولت انگلستان از دولت آمریکا برای خاتمه دادن به سیاست برخورد خصمانه با ایران و آغاز «دیالوگ» با رژیم نمونه روشنی از تلاش هایی است که در این زمینه در جریان است. برقراری روابط با دولت های جهان بر اساس اصول و حفظ منافع ملی کشور خواستی است که هیچ نیروی ملی و دموکراتیکی با آن مخالف نیست و علی رغم مخالفت با رژیم حاکم آن را در راستای منافع مردم مین ما می داند، ولی بحث امروز بر سر آغاز چنین روابطی نیست، بحث بر سر حل «مشکلاتی» است که رژیم «ولایت فقیه» برای حفظ خود دارد.

نکته دیگری که در این زمینه باید به آن توجه کرد این موضوع است که سرنوشت چنین سیاست هایی، تا آنجا که به رژیم «ولایت فقیه» مربوط است بستگی زیادی به چگونگی تحولات داخلی نیز دارد. علی رغم توافق سران رژیم به ضرورت چنین مانورهایی، جناح های مختلف رژیم نشان داده اند که آماده اند تا از چنین حرکتی برای پیش بردن منافع گروهی خود بهره جویی کنند. یورش تبلیغاتی جناح «خط امام» به لاریجانی در مقطع انتخابات و یورش های کنونی جناح «رسالت» به مواضع خاتمی، تبلور روشن عملکرد منافع جناحی در حاکمیت جمهوری اسلامی در زمینه سیاست خارجی است. سخنان دوپهلوی خامنه ای در نماز جمعه تهران و کارزار گسترده تبلیغاتی روزنامه های «رسالت» و «جمهوری اسلامی» و اظهار نظرهای تند ولایتی مشاور امور خارجی «رهبر» در مورد تماس با آمریکا در روزهای اخیر موید و نشانگر مانور گروه ها و جناح های مختلف حاکمیت برای بهره گیری سیاسی از این تحولات است.

آنچه مشخص است در زمینه سیاست خارجی عمده ترین هدف رژیم در شرایط کنونی عادی سازی روابط با کشورهای اروپایی و کشورهای منطقه است و موضوع نزدیکی و از سرگیری رابطه با آمریکا همچون گذشته تنها موضوع برخوردها و درگیری های جناحی برای مصرف داخلی است. رژیم همچنین امیدوار است تا از طریق همین مانورها بتواند از تشدید فشارهای آمریکا بر کشورهای غربی و همسایگان ایران برای در انزوا نگاه داشتن جمهوری اسلامی جلوگیری کند.

آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!

درس گیری از «معجزه» اقتصادی «ببرهای آسیا»

از نظر روبنایی وجود اشکال مختلف دیکتاتوری با سرکوب شدید نیروهای دموکراتیک و مترقی و مخصوصاً اتحادیه های کارگری، ضامن و پشتوانه اجرای سیاست های اقتصادی پیش گفته است. ارتش و فساد مالی قانونی شده رابطه اصلی بین بورژوازی مالی - صنعتی و بورژوازی بوروکراتیک را تشکیل می دهد. در مورد سیاست خارجی، وابستگی سیاسی و نظامی ما بین امپریالیسم (مخصوصاً آمریکا) و این کشورها را می توان رابطه اصلی و استراتژیک به حساب آورد. برای مثال ایجاد و حفظ پایگاه های متعدد و عظیم ایالات متحده در چند دهه اخیر در اغلب کشورهای موسوم به «ببرهای آسیا» را باید از پیش شرط های لازم برای اجازه انتقال تکنولوژی، کمک مالی بی شمار و امکان پیوستن این کشورها به کلوب سرمایه داری پیشرفته دانست. بنابراین آن چیزی که در تبلیغات نظام سرمایه داری به عنوان «رشد خارق العاده، معجزه وار و نمونه...» عنوان می شود را باید در زمینه سرکوب و در بسیاری موارد خنوت شدید رژیم های غالب بر این کشورها و وابستگی آنها به امپریالیسم مورد نظر قرار داد. قتل عام بیش از صد هزار نفر از مردم بی گناه تیمور شرقی به دستور سوارتو دیکتاتور اندونزی در دو دهه اخیر و کشتار صدها تن از تظاهر کنندگان در شهر کواجو به وسیله نیروهای نظامی کره جنوبی در سال ۱۹۸۰ و بسیاری از این گونه جنایات فقط گوشه ای از عملکردهای «لازم» در راه عملی کردن «معجزه» ببرهای آسیا می باشند.

رشد اقتصادی این کشورها از نقطه نظر متخصصین سرمایه داری در چند سال گذشته تحسین آمیز بوده و باید گفت که در معدودی از کشورهای جنوب شرقی آسیا (کره جنوبی و تاحدی مالزی و تایلند) بخش صنعتی به همراه احداث ساختار استراتژیک لازم از جانب سرمایه داری دولتی (جهت پشتیبانی از بخش خصوصی) رشد قابل توجهی داشته است. در این جا باید به دو مساله مهم توجه کرد:

الف- در کشورهای موسوم به «ببرهای آسیا» با وجود رشد تولید و حتی تحول نسبی نیروهای مولده در بعضی از این کشورها، هنوز اکثریت عظیم زحمتکش با فقر و بدبختی روبرو هستند. برای مثال طبق گزارش یونسکو (دسامبر ۱۹۹۷) سوء تغذیه کودکان و مادران نوزادان در کشورهای آسیای شرقی افزایش پیدا کرده است و حتی از آفریقا پیشی گرفته است. استفاده از کار کودکان (حتی زیر ده سال) کاملاً رایج و در بسیاری موارد یکی از مهم ترین اجزای تشکیل دهنده نیروی کار ارزان در تولید کالاهای صادراتی به کشورهای غربی به حساب می آید. ساعات کار روزانه ۱۰ تا ۱۲ ساعت برای اکثریت زحمتکش کره جنوبی معمول است. این کشور که از پیشرفته ترین کشورهای «ببرهای آسیا» به حساب می آید در سال ۱۹۹۴ بالاترین آمار سانحه را در محیط کار در جهان دارا بود. روزانه بطور متوسط ۵ زحمتکش جان خود را از دست داده و ۳۹۰ کارگر مجروح می شوند. (نشریه - NEW INTERNATIONAL ALIST ژانویه ۱۹۹۵). اسناد و آمار بسیاری از این قبیل نشان دهنده این واقعیت است که تا بحال معجزه ای در وضعیت و سطح زندگی اکثریت زحمتکش این کشور رخ نداده است. البته طبیعی است که برای مبلغین سرمایه داری فقر و رنج و محنت مردم در مقابل «دستاورد» مقدس انباشت و استحکام سرمایه و پیوستن آن به مدار بازار جهانی اهمیتی نداشته باشد بلکه حتی در برخی مواقع ضروری و توجیه پذیر دانسته شود.

ب- با ترکیدن حباب «اقتصاد ببرهای آسیا» به وضوح می توان دید که عملکرد رژیم های حاکم بر این کشورها در چند دهه گذشته به غیر از سرمایه گذاری شتابان با الگوبرداری از کشورهای غربی در چارچوب حکومت های دیکتاتوری نبود و تا بحال در بهترین وجه رشد ناموزون برای اقلیتی و برای اکثریت فقر، زاغه نشینی، سرکوب، آلودگی محیط زیست و... را به همراه داشته است. عواقب و ادامه این سیاست از این به بعد آینده تاریک و فقر بیشتر، به همراه سرکوب لازم برای اجرای سیاست های ریاضت کشی اقتصادی صندوق بین المللی پول خواهد بود. اظهارات اخیر رییس جمهور جدید کره جنوبی (کیم دجانگ) خطاب به مردم این کشور گواه این واقعیت تلخ بوده و نشان دهنده فشار سرمایه داری جهانی و عدم استقلال کره جنوبی و بقیه کشورهای «ببرهای آسیا» است: «من هشدار می دهم که فرم های سخت و شاقی در پیش است و به اجرا در آوردن آنها بدون درد عملی نخواهد بود». باید اضافه کرد که مسلماً میدان مبارزه سیاسی در این کشورها خالی از نیروهای مترقی و مخصوصاً جنبش

تا چندی پیش رشد اقتصادی کشورهای موسوم به «ببرهای آسیا» به عنوان یکی از بزرگ ترین دستاوردهای نظام سرمایه داری در سراسر جهان تبلیغ می شد. سیاستگذاران صندوق بین المللی پول و بانک جهانی کشورهای در حال توسعه در آسیا و آمریکای لاتین را تشویق و راهنمایی می کردند که با پیروی و نمونه برداری از سیستم اقتصادی «ببرهای آسیا» عقب ماندگی های اقتصادی خود را جبران کنند. حتی سخنگویان برخی از سازمان های سیاسی «چپ» در کشور ما نیز با مسحور شدن در تلالو خیره کننده و برترین های اقتصاد صادراتی «ببرهای آسیا» در گذشته نه چندان دور نسخه پیشرفت اقتصادی به شیوه تایلند و مالزی و اندونزی را برای مردم ما تجویز می کردند.

البته در ماههای اخیر بعد از ورشکستگی فاجعه بار این کشورها و سقوط شدید ارزشهای آنها (۵۰ درصد) و بحران فراگیر اقتصادی، دیگر نه تنها از این گروه به عنوان «ببرها» (سمبل نیرومندی اقتصادی) یاد نمی شود بلکه بسیاری از صاحب نظران و متخصصین و مبلغ های نظام سرمایه داری در رسانه های گروهی به متخلف و بی توجه خواندن این کشورها و زمامدارانشان به قوانین بدیهی اقتصادی اقدام کرده اند. تحمیل شرایط دشوار و خواست های بسیار خشن و سنگین اقتصادی از جانب صندوق بین المللی پول در مقابل به اصطلاح کمک های مالی به این کشورها را باید عکس العمل طبیعی سرمایه داری جهانی نسبت به این کشورها دانست.

تجزیه و تحلیل جوانب مشخص راه رشد کشورهای موسوم به «ببرهای آسیا» برای نیروهای مترقی، مخصوصاً درس گیری از تجربه این کشورها برای مبارزان راه دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران بسیار مهم است. باید توجه داشت که عملکرد رژیم «ولایت فقیه» از دوران ریاست جمهوری رفسنجانی تاکنون تماماً در چارچوب سرمایه داری و تبعیت از سیاست صندوق بین المللی پول بوده است. در کشور ما هم مانند دیگر کشورهای جهان سوم تا همین چند هفته پیش معجزه اقتصادی کشورهای ببرهای آسیا به عنوان نمونه راه رشد تبلیغ می شد. در مقاله ای در روزنامه اطلاعات بین المللی (۲۳ مرداد ماه ۱۳۷۶) که خلاصه ای است از گزارش صندوق بین المللی پول، ارزیابی خط دهندگان اقتصادی کشورمان در قالب جملات ذیل فاش می شود: «جهانی شدن اقتصاد حیات تازه ای در کالبد تعدادی از کشورهای در حال توسعه دمیده است. پیشرفت های خارق العاده ای که نصیب هنگ کنگ، کره، سنگاپور و تایوان شده است گواه صادقی بر این مدعا است...». ایدئولوگ های سرشناس گروه منتفذ «کارگزاران سازندگی» که نیروی اصلی کابینه آقای خاتمی را تشکیل می دهند علناً از لزوم پیروی از الگوی اقتصادی - اجتماعی اندونزی، مالزی سخن می گویند. هفته نامه میهن که ارگان رسمی سرمایه داری جدید و تکنوکراتیک «کارگزاران سازندگی» قلمداد می شود در چندین شماره در ماه های آبان و آذرماه به ستایش از دستاوردهای «ببرهای آسیا» پرداخت.

گروه کشورهای موسوم به «ببرهای آسیا» مقوله علمی و یا از نظر بین المللی گروه بندی رسمی و شناخته شده ای نیست و در برگیرنده کشورهای به کوچکی سنگاپور و هنگ کنگ تا کشورهای بسیار بزرگ تر نظیر کره جنوبی، اندونزی و تایلند می شود. تجزیه و تحلیل عمیق اقتصادی این گروه کشورها و دلایل فنی ورشکستگی آنان خارج از حوصله این مقاله است، ولی در یک تعریف عمومی می توان نکات مشخص و مشترک پایه ای بین این کشورها را تشخیص داد:

- اختلاط سرمایه گذاری دولتی و خصوصی در جهت انباشت و استحکام سرمایه خصوصی
- سرمایه گذاری خارجی در سطح وسیع به وسیله شرکت های فراملی در زمینه صنایع سبک و نیمه سبک با استفاده از سطح پایین دستمزدها.
- ستمگیری بارز رشد اقتصاد در جهت تولید کالاهای صادراتی با بهره جویی از سطح پایین درآمد.
- رشد شهرها و مناطق وسیع فقیر نشین به همراه مهاجرت خیل عظیم روستاییان به شهرها که تولید کننده ذخیره نیروی کار ارزان است.
- آزاد سازی کامل تجارت، سرمایه گذاری های کلان به صورت خرید سهام و اوراق قرضه و ادغام روز افزون اقتصاد در سیستم مالی بین المللی در جهت پیوستگی (وابستگی) هر چه بیشتر به بازار جهانی.
- انباشت بدهی های عظیم خارجی.

درس گیری از معجزه اقتصادی ...

کارگری نخواهد بود. این حقیقتی است که در سال های اخیر اندونزی، کره جنوبی و تایلند شاهد رشد سریع و مبارزه وسیع نیروهای مترقی بوده اند. برای مثال در ابتدای سال ۱۹۹۷ میلادی اعتصابات عظیم و فراگیر زحمتکشان کره جنوبی توانست رژیم حاکم را مجبور به عقب نشینی های مشخص در مورد قوانین اشتغال و قانون کار بکند.

افتضاح و عمق بحران اقتصادی - مالی «بیرهای آسیا» به حدی است که دیگر متخصصین و مبلغین سرمایه داری بدون پرده پوشی در تجزیه و تحلیل های خود دلیل اصلی و عام ورشکستگی مالی و بحران اقتصادی را فساد مالی گسترده در بخش خصوصی، مخصوصا بانک ها و چشم پوشی و اغماض دولت در مقابل انواع تخلفات و استقراض مبالغ بسیار هنگفت بدون پشتوانه توسط بخش خصوصی در راستای سرمایه گذاری های کم حاصل و یا بی مورد و ولخرجی اقشار بورژوازی می دانند. اغلب رسانه های گروهی کشورهای سرمایه داری در ماه های اخیر دهها صفحه خود را اختصاص به گزارش جزئیات دقیق اقتصادی در مورد دلایل این ورشکستگی های فاجعه آمیز داده اند. البته کل این سیاست و عواقب آن را می توان در یک جمله خلاصه کرد: «قرض و حیف و میل اموال از جیب مردم زحمتکش (آن چیزی که مردم در کشور ما در دوران ستم شاهی و ولایت فقیه به خوبی با آن آشنایی دارند). البته طبق روال معمول تبلیغات سرمایه داری به زودی مژده شروع رشد و بهبود اقتصادی این کشورها را خواهد داد و مسلما از نقطه نظر شاخص های اقتصادی مهم برای سرمایه جهانی و ثروتمندان محلی (مانند قیمت سهام و اوراق قرضه و خرید و فروش املاک و غیره...) تغییراتی را شاهد خواهیم بود. ولی همانطور که تجربه بارها نشان داده است و با در نظر گرفتن بدهی عظیم و اجراء سیاست های صندوق بین المللی پول، شاخص هایی مانند سطح درآمد، خدمات عمومی نظیر بهداشت، آموزش، محیط زیست و... نه تنها بهبود نخواهند یافت بلکه پس رفت هم خواهند داشت. باید توجه داشت که اقتصاد «بیرهای آسیا» در خاتمه همان نتیجه و وضعیتی را ببار آورده است که «معجزه اقتصادی» دهه هفتاد و هشتاد میلادی برای مردم کشورهای آمریکای لاتین به همراه داشته است، یعنی رشد ناموزون، سطح درآمد پایین، فشارهای شدید تورمی، فساد مالی و بی ثباتی اقتصادی - سیاسی (برای مثال می توان به بحران اقتصادی و سقوط ارز مکزیک در سال ۱۹۹۵ اشاره کرد).

در کشور ما نیز مبلغین سیاست الگو برداری از راه رشد اقتصادی «بیرهای آسیا» در نوشتار خود فقط معدود شاخص های اقتصادی دست چین شده ای را مورد نظر قرار می دهند. جوانب بسیار مهم و رابطه بین مقولاتی مانند: نحوه تقسیم ثروت در سطح جامعه، رشد دموکراسی و استقلال سیاسی نه فقط مهم بشمار نمی آیند، بلکه از ذکر و اشاره به آنها چونکه افشا کننده تضاد فاحش در نظراتشان خواهد بود اکیدا طفره می روند. برای مثال در چند مقاله مفصل در هفته نامه میهن که در مدح و توضیح «معجزه اقتصادی» سرمایه داری در کشورهای آسیای شرقی و لزوم الگو برداری از آن برای کشور ما قلم فرسایی شده است حتی یک سطر در مورد این مقولات نمی توان پیدا کرد. در عوض به عباراتی بر می خوریم که نشان دهنده تحسین و ستایش منفی ترین روندهای موجود در این کشورها است: «یکی از عوامل اصلی موفقیت کشورهای آسیای جنوب شرقی، داشتن نیروی کار منظم، کم توقع، سخت کوش است و... اگر می بینیم که امروز جنوب شرقی آسیا هدف سرمایه گذاران قرار گرفته یکی از علل آن همچنانکه در ابتدا گفته شد ارزانی نیروی کار است (میهن - ۵ مهر ماه ۱۳۷۶).

پدیده نیروی کار ارزان و کم توقعی به عنوان مهم ترین عامل در ساختار اقتصادی این کشورها در عمل دقیقا به معنی سطح بسیار پایین درآمدها، یعنی فقر برای اکثریت مردم و تداوم آن به وسیله رژیم سرکوبگر است. هرچند که تضاد درونی، بی عدالتی و عدم ثبات این پدیده اقتصادی - سیاسی در تئوری و عمل کاملا مشهود است، ولی جذابیت بهره برداری از فرمول نیروی کار ارزان (و مطیع) در پرتو یک رژیم دیکتاتوری (مانند ولایت فقیه) را در چارچوب فکری - اعتقادی برخی نیروهای سیاسی و رهبران جناح های متنفر رژیم نمی توان انکار کرد. تغییر اصل ۸۱ قانون اساسی در رابطه با ممنوعیت سرمایه گذاری خارجی در کشور در سه سال قبل با تصویب اخیر اینکه سرمایه خارجی می تواند تا میزان ۹۹ درصد در پروژه های کشور سهم باشد و کوشش ترمز ناپذیر رییس جمهور و اعضای اصلی دولت او در جلب نظر مساعد کشورهای سرمایه داری اروپا و حتی ایالات متحده به شرایط مساعد سیاسی برای سراریز کردن سرمایه ها به خصوص در عرصه انرژی و انتقال نفت و گاز و منابع زیر زمینی همه گام هایی بزرگ در جهت تجربه الگو برداری از مازنی در کشورمان می باشند.

نکته ای که ما در اینجا در مورد ایران بدان تکیه داریم و به نظر ما برای نیروهای سیاسی کشورمان عبرت انگیز است همانا مساله راه رشد اقتصادی کشور است که از ابتدای انقلاب تا به حال یکی از مهم ترین مسایل فراروی جنبش ترقی خواهانه بوده است. در حال حاضر اغلب جناح ها و گروه بندی های موجود در رژیم «ولایت فقیه» و همینطور بخشی از اپوزیسیون به درجات مختلف متمایل به نظام سرمایه داری بوده و بسیاری از آنان پیوستن به بازار جهانی و پیروی از سیاست های صندوق بین المللی پول را قبول داشته و یا حداقل در مقابل آن اعتراض و یا مخالفت محسوسی از خود نشان نمی دهند.

ما منکر این واقعیت تاسف بار نیستیم که در حال حاضر و در آینده قابل پیش بینی کشورها نمی توانند تسلط بسیار وسیع و زورگویی امپریالیستی نظام سرمایه داری جهانی را در قبال برنامه های اقتصادی خود در نظر بگیرند. به موازات این فاکتور همچنین نمی توان وضعیت اسفناک «بیرهای» سابق آسیایی را که عملا و آشکارا برای بار دیگر در پیش از یک کشور نشان داده شد که راه رشد سرمایه داری برای خلق های کشورهای در حال توسعه چیزی به جز رشد ناموزون بی ثبات، ثروتمند شدن گروه بندی های کوچک، ادامه فقر، استقرار و تقویت دیکتاتوری، قمار با هستی زحمتکشان و عدم استقلال ملی به برهان نخواهد آورد را از نظر دور داشت.

هیچ نیروی سیاسی ای در کشور ما، اعم از اپوزیسیون و حتی آنهایی که در رژیم کنونی به ۲۰ میلیون از مردم قول زندگی بهتر را داده اند نباید راه رشد سرمایه داری و اطاعت از صندوق بین المللی پول را در برنامه های خود برای میهن مان تجویز کنند. چون حتی راه رشد سرمایه داری شتابان تر و منظم تر با پایه صنعتی قوی تر (نظیر کشورهای بیر آسیایی) آقدر بهتر از چیزی که تا بحال به عنوان «راه سوم» یعنی سرمایه داری عقب مانده کنونی در قالب رژیم «ولایت فقیه» نخواهد بود. عواقب اقتصادی و سیاسی کاملا مشهود در کشورمان در «بیرهای» سابق آسیایی دیگر جای تردیدی را باقی نگذاشته است.

حزب ما برخلاف برخی از نیروهای چپ سابق هیچگاه (مخصوصا در سال های اخیر) دچار توهم در مورد ناگزیر بودن نظام بازار و راه رشد سرمایه داری نشده است. غرض ما در اینجا نه ارائه راه حل های سریع و شعارهای تند و تیز ضد سرمایه داری بوده بلکه توضیح شفافیت این واقعیت انکار ناپذیر است که «با وجود تبلیغات کر کننده در سراسر جهان نباید راه رشد سرمایه داری و سیاست های دیکته شده سرمایه داری و بازار جهانی را اجباری و انتخاب هر نوع راه رشد دیگر را غیر ممکن دانست».

با در نظر گرفتن درجه اهمیت و پیچیدگی انتخاب راه رشد اقتصادی و تاثیر مستقیم آن بر مقولات بسیار مهم و حیاتی دموکراسی، آزادی و استقلال ملی و همینطور با توجه به تجربه سرمایه داری چه از نوع عقب مانده آن در کشور ما و یا شکل پیشرفته تر آن در «بیرهای سابق آسیایی»، باید گفت مساله بسیار مهم و فرصت قابل استفاده ای برای مشارکت و بحث های معقول (به دور از پیشداوری های کهنه) در مقابل نیروهای مترقی و ملی وفادار به منافع خلق های ستمدیده کشورمان قرار گرفته است.

روشن است که در کشور ما در آینده در جایگزینی رژیم «ولایت فقیه» نیازی به رهبرانی همانند رییس جمهور جدید کره جنوبی ندارد که بعد از دو دهه مخالفت با رژیم فاسد و دیکتاتوری آن کشور و زندانی کشیدن، مردم را به فرمانبری از سرمایه داری جهانی می خواند و با بی شرمی به آنها می گوید که باید منتظر زندگی دردمندی باشند.

در این راستا در مورد رژیم حاکم بر میهن مان باید بگویم که آن جناحی که برپشت پیروزی مردم در دوم خرداد توانسته است برخی از سکان های اجرایی کشور را بدست بگیرد باید بدون هیچ ابهامی بداند که اکثریت عظیم توده ۲۰ میلیونی خواهان تغییرات اساسی هستند و به خوبی به عملکرد ضد مردمی سیاست های اقتصادی هر دو رژیم حاکم بر کشورمان واقف بوده و ادامه سیاست های ضد ملی صندوق بین المللی پول (نظیر سیاست تعدیل اقتصادی، درهای باز و غیره) را که به قیمت تنزل فاحش سطح زندگی (مادی و معنوی) اکثریت مردم تمام شده را جواب به قول های انتخاباتی نخواهند دانست!

ادامه سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب ...

صمیمانه امیدواریم که کنگره شما بتواند وظایف خود را در زمینه تعیین «دیدگاه‌ها و آماج‌های سازمان» با موفقیت به انجام برساند و راه را برای تشدید و گسترش مبارزه فدائیان خلق علیه رژیم «ولایت فقیه»، برای استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی باز نماید.

رفقای عزیز! موضوع «تعیین سیما و هویت حزب» و تحولات پرشتابی که در میهن ما در جریان است دو مسأله کلیدی بحث‌ها و مذاکرات کنگره شما را تشکیل می‌دهد. حزب ما با دقت و علاقه بحث‌های درون سازمان شما را دنبال کرده و می‌کند و معتقد است که طرح این بحث‌ها در سطح جنبش و برخورد آزاد اندیشه‌ها و آراء می‌تواند بی‌گمان به غنای فکری جنبش چپ میهن ما باری رساند و از همین برخورد آراء و اندیشه‌ها است که می‌توان نظرات را به یکدیگر نزدیک کرد و راه را برای اشتراک عمل و در انتها وحدت چپ هموار ساخت.

به گمان ما بحث بر سر «تعیین سیما و هویت چپ» بر این پیش فرض استوار است که چپ در پی فروپاشی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی «هویت» خود را از دست داده است و لذا ضروری است تا «هویت و سیما» نوبنی برای آن تعریف و تعیین کرد. بر اساس این پیش فرض ماهیت و سیما چپ نه در مبارزه ۱۵۰ ساله فکری-نظری و تشکیلاتی جنبش جهانی طبقه کارگر بلکه در برنامه و عملکرد یک یا چند دولت سوسیالیستی خلاصه شده بوده است و لذا با سقوط این دولت‌ها همه پایه‌های فلسفی آنچه که چپ نامیده می‌شد، نیز نابود گردیده است. رفقا! جنبش کارگری و کمونیستی جهان سال‌ها پیش از پیروزی نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان شکل گرفته و هویت خود را تعریف کرده است و اکتبر نخستین آزمون این اندیشه‌ها در کوره عمل مبارزه توده‌ها بوده است. برای ما و اکثریت عظیم جنبش کارگری و کمونیستی در سراسر جهان درک دیالکتیکی تاریخ و حرکت پویا و دایمی آن به سمت تکامل جوهر و اساس علمی معتبری است که نه در کوره آزمون هفتاد ساله بلکه در آزمونی به عظمت تاریخ جامعه بشری آزموده شده و اساس آن مورد شک و تردید حتی بسیاری از اندیشه پردازان سرمایه داری نیست.

بخش اساسی دیدگاه‌های نظری، فلسفی، اقتصادی، و اجتماعی پیش‌تازان جنبش چپ آموزگاران طبقه کارگر مارکس، انگلس و لنین در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و یا به عبارت دیگر پیش از تشکیل نخستین دولت سوسیالیستی جهان تنظیم و شکل گرفته است. آنچه مارکس، انگلس و سپس لنین به مثابه یک مجموعه نظری، که ما آن را جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی می‌شماریم، ارائه دادند در مهم‌ترین چارچوب‌ها و اصول همچنان از اعتبار و صحت علمی برخوردار است و هیچ یک از دست‌آورد‌های علمی بشر در سال‌های اخیر، در زمینه علوم اجتماعی-اقتصادی و یا تحولات اجتماعی اقتصادی جهان دال بر رد این نظریات نیست. لنین به درستی تأکید می‌کرد که آموزش مارکس: «وارث بهترین اندیشه‌هایی است که بشر در قرن نوزدهم به صورت فلسفه آلمان، علم اقتصاد انگلستان و سوسیالیسم فرانسه به وجود آورده است...». کسانی که در سال‌های اخیر در نفی جهان بینی مارکسیسم اظهار نظر کرده‌اند، روشن نمی‌کنند که چه بخش از نظرات کلیدی مارکسیسم و لنینیسم نادرست از آب درآمده است. آیا به عنوان نمونه در عرصه فلسفی، درک دیالکتیکی ما از شناخت، ماده، حرکت و تکامل دایمی ماده، شعور، گذار از تغییرات کمی به کیفی، امروز با فروپاشی اتحاد شوروی می‌بایست به کلی نادرست اعلام شود؟ آیا انطباق این درک ماتریالیستی-دیالکتیکی بر جامعه انسانی و نظریاتی که مارکسیسم در چارچوب ماتریالیسم تاریخی پیرامون قوانین عام تکامل جامعه انسانی، شناخت و توضیح صورت بندی‌های اجتماعی و روند شکل‌گیری و تکامل زندگی اجتماعی، ارائه داده است امروز از سوی دانشمندان علوم اجتماعی مردود و غیر قابل استناد و استفاده معرفی شده است؟ آیا کار سترگ مارکسیسم در زمینه اقتصادی و توضیح قوانین حاکم بر سرمایه داری و سپس بسط این نظریات توسط لنین و ارائه ترمینالیزم امروز با شرایط عینی و واقعی جوامع سرمایه داری همخوان نیست؟ آیا امروز ماهیت اساسی سرمایه داری، انحصاری بودن آن نیست؟ ما با این نظر منعکس در سند «دیدگاه‌ها و آماج‌های سازمان» موافقم که می‌گوید: «سرمایه داری سرچشمه ستم طبقاتی، بی‌عدالتی، بهره‌وری غارتگرانه از طبیعت، جنگ و بیکاری توده‌ای و منشاء بسیاری از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی است... به نظر ما برای حل معضلات جامعه بشری جایگزینی سوسیالیسم... به جای مناسبات سرمایه داری امری ضروری...».

رفقا! بدیهی است که ما به هیچ وجه اعتقاد نداریم که مارکسیسم مجموعه‌ای از نسخه‌های دگم غیر قابل تغییر و احکام مقدسی است که می‌بایست آن را کورکورانه اطاعت کرد. چنین درکی اساساً با مارکسیسم در تضاد آشتی‌ناپذیر است. ما نیز اعتقاد داریم که این آموزش را می‌بایست همخوان با تحولات و پیشرفت‌های علوم در

زمینه‌های مختلف بسط، گسترش و تکامل داد. ما بین چنین برخوردی و نفی نهیلیستی هرآنچه که بوده است زیر لوای «نواندیشی» و یا «نوگرایی» تفاوت‌های آشکار و ماهوی می‌بینیم. برای ما جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی سلاح نیرومندی است که از آن در بیکار خود نخست برای شناخت جامعه و سپس برای تغییر آن بهره می‌گیریم. شناخت، ارزیابی و تحلیل ما از شرایط کشورمان نیز بر اساس همین جهان بینی و درک ما از مجموعه قوانین اجتماعی-اقتصادی حاکم بر جامعه استوار است.

همان طوری که مطلعید سومین کنگره حزب ما در بهمن ماه سال ۱۳۷۰، به این ارزیابی رسید که: «ظهور دیکتاتوری مذهبی قرون وسطایی زیر پوشش «ولایت فقیه» سد اساسی برون رفت جامعه از بحران ساختاری است. در جمهوری اسلامی ایران، رونمای سیاسی با مضمون دیکتاتوری مذهبی حکمرواست. اصل «ولایت فقیه» با پی آمدهای مخرب آن محتوای این رونما را تشکیل می‌دهد. تئوری روحانیون حاکم مدعی است که محور «نظام ولایت فقیه» خداست، و نماینده خدا در روی زمین، در حال حاضر آقای خامنه‌ای است. این معنای صریحی دارد: باید تابع نماینده خدا شد و به اوامر او گردن نهاد. یک فرد به عنوان «ولی فقیه» می‌تواند قانون اساسی را که میلیون‌ها انسان به آن رأی داده‌اند، نقض کند، و مجلس را که قاعدتاً باید منتخب مردم باشد، منحل سازد. در یک کلام «ملت مطیع ولی فقیه» است... در اوج حاکمیت «ولایت فقیه»، ما شعار طرد آن را سرلوحه برنامه خود ساختیم و با پژوهش رویدادهای جامعه به اثبات رساندیم که جامعه حاضر به هضم «ولایت فقیه» نیست و دیر یا زود علیه آن قیام خواهد کرد... انتخابات دوم خرداد ماه قیام تاریخی، روشن و علنی مردم علیه «ولی فقیه» و نمایندگان او بود. بیش از ۲۰ میلیون ایرانی علی‌رغم شرایط عمیقاً غیر دموکراتیک تحمیل شده به آنان در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند و با نه گفتن به رژیم «ولایت فقیه» و نامزد انتخاباتی آن خواهان ایجاد تغییرات اساسی در راه استقرار جامعه مدنی و عدالت اجتماعی گردیدند. امروز بحث در میان نیروهای ملی، دموکراتیک و آزادی خواه کشور بر سر اهمیت و ماهیت این حرکت تاریخی نیست، بلکه بحث بر سر آن است که پس از این پیروزی گام بعدی چه می‌تواند باشد. آیا می‌توان امیدوار بود که رژیم «ولایت فقیه» در روندی از بالا سازمان داده شده دست به تغییر ساختاری حکومت بزند و بر سر اصل حاکمیت روحانیت که در اصل «ولایت فقیه» متبلور است با اکثریت مردم ناراضی و نیروهای آزادی خواه و دموکراتیک مصالحه کند؟ آیا می‌توان امیدوار بود که دولت جدید راه‌گشای این تحولات گردد؟ آیا جناح و یا جناح‌هایی در درون حاکمیت وجود دارند که خواهان پیاده شدن اصل حاکم شدن مردم بر سرنوشت خویش هستند؟

رفقای گرامی!

ما با این نظر سند سیاسی شما که می‌گوید: «رژیم فقه‌ای و استبدادی حاکم مانع اصلی تحول دموکراتیک، تأمین آزادی‌های سیاسی و حق رأی مردم و اعمال اراده آنها در تعیین سرنوشت سیاسی کشور است» و «لازمه تحولات دموکراتیک پایان دادن به رژیم فقه‌ای و استبدادی حاکم است» موافقم و آن را با ارزیابی خود از شرایط کشور یکسان می‌بینیم. تجربه ماه‌های پس از انتخابات دوم خرداد ماه به روشنی صحت این ارزیابی را تأیید کرده است. یورش وسیع چماق داران استبداد به نیروهای دگراندیش و تشدید سرکوب از یورش به تجمع‌های دانشجویی تا تخریب دفاتر نشریات و ضرب و شتم مخالفان و دستگیری رهبران اپوزیسیون مجاز در درون کشور، در حالی که دولت جدید هر روز از استقرار قانون و جامعه مدنی سخن می‌گوید نشان می‌دهد که اهرم‌های قدرت در جمهوری اسلامی اساساً در حاکمیت سیاسی متمرکز در دست «ولایت فقیه» نهفته است. افزون بر این جریان یورش به دفتر آیت الله منتظری و ضرب و شتم او و سپس موضع‌گیری کلیه جناح‌های حاکمیت در دفاع از اصل «ولایت فقیه» به عنوان پایه و اساس رژیم نشان می‌دهد که حد استقرار قانون و «جامعه مدنی» نیز در حدود قابل قبول برای «ولی فقیه» خلاصه شده است. حزب ما ضمن اعتقاد به اشکال مختلف مبارزه اعتقاد دارد که در شرایط حاضر تنها راه مطمئن برای حرکت به سمت تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار در میهن ما بسیج و سازمان دهی مبارزه توده‌های بیزار از رژیم «ولایت فقیه» بر حول یک برنامه مبارزاتی مشترک و وسیع است. تجربه تاریخی نشان داده است که حکومت‌های استبدادی را تنها با جنبش‌های وسیع مردمی می‌توان به عقب نشینی و قبول خواست‌های دموکراتیک وادار کرد. حلقه اساسی در این مبارزه به گمان ما نه در شعارهای حاشیه‌ای بلکه در «طرز رژیم ولایت فقیه» به مثابه سد اساسی هرگونه تحول به سمت استقرار آزادی در میهن ماست. امروز حتی بسیاری از نیروهای مسلمان نیز به این اعتقاد رسیده‌اند که با وجود «ولایت فقیه» امید به تحولات ماهوی و با ثبات آب در هاون سائیدن است و لذا ضروری است تا مبارزه را

تحرکات مشترک صهیونیسم - ناتو در منطقه

موازنه قدرت در خاورمیانه را بوجود آورد. عملیات سه جانبه در واقع اعلام رسمی یک پیمان سیاسی - نظامی جدید بین ترکیه و اسرائیل، دو قدرت نظامی غیر عرب در خاورمیانه، تحت حمایت ایالات متحده عضو ناتو می باشد. حضور یک ناظر عالی رتبه نظامی از اردن در جریان مانورها نشان دهنده موضع ملک حسین در رابطه با اوضاع منطقه است. مصر، سوریه، عراق و ایران این عملیات را محکوم کردند. احزاب اپوزیسیون اردن طی اقدامات اعتراضی حمایت ضمنی اردن از محور ترکیه و اسرائیل را محکوم کردند.

تحلیل گران ترقی خواه در منطقه معتقدند که ایالات متحده از طریق ایجاد رابطه نزدیک بین اسرائیل و ترکیه عضو ناتو، عملی سعی در ایجاد ارتباطات مستقیم بین اسرائیل و ناتو دارد. آنها معتقدند که امپریالیسم آمریکا برای اتحادیه جدید در پروژه های طولانی مدت خود در قبال خلق های منطقه و به ویژه کنترل منابع عظیم انرژی نفتی عمده قایل است.

بسط روابط نظامی و همکاری های گسترده بین اسرائیل و ترکیه در هفته های اخیر نگرانی های عمیقی را در خاورمیانه دامن زده است. دولت ترکیه پس از اینکه اتحادیه اروپا حاضر به قبول عضویت آن نشد به طور مشخص نقش عربان تری در همکاری با اسرائیل و محافل میلیتاریستی در ایالات متحده می گیرد. ادامه فعالیت های نظامی ترکیه در شمال عراق، تشیع در روابط این کشور با یونان و ادامه بحران پروسه صلح در خاورمیانه همگی از پتانسیل مخرب محور ترکیه - اسرائیل - ایالات متحده برای منافع خلق ها حکایت دارند.

در آذرماه اسحق موردخای، وزیر دفاع اسرائیل طی یک بازدید سه روزه از ترکیه موافقتنامه های جدیدی در رابطه با تشدید همکاری نظامی بین دو کشور و تولید مشترک تانک و موشک های دوربرد به امضاء رساند. یک منبع نظامی ترکیه نیز در مطبوعات اعلام کرد که هیات عالی رتبه نظامی ترکیه در دی ماه به اسرائیل خواهد رفت که در مورد تولید مشترک موشک های دوربرد مذاکره نماید. در چنین فضایی عملیات مشترک کشتی های جنگی اسرائیل، ترکیه و ایالات متحده در منطقه شرقی مدیترانه بین قبرس و اسرائیل در روز ۷ ژانویه موجی از نگرانی در مورد تغییر

ادامه سخنرانی نماینده...

به سمت منبع اصلی بدبختی ها و فجایع کنونی جامعه ما یعنی رژیم «ولایت فقیه» متوجه کرد و در این راه به سازمان دهی توده ها پرداخت. امروز اکثریت مردم ما، خصوصاً جوانان و زنان با شرکت گسترده در عرصه مبارزه نشان داده اند که به این درک مشخص رسیده اند که عقاید قرون وسطایی حاکم سد اساسی تحقق حقوق آنان در جامعه است و تنها با وعده و «دعای خیر» این یا آن دولتمرد جمهوری اسلامی نمی توان این خواست ها را تحقق بخشید. ما همچنان اعتقاد داریم که در مقابل جبهه واحد ارتجاع می بایست جبهه واحد ضد دیکتاتوری را با برنامه و شعارهای مشخص تشکیل داد و مبارزه وسیع صنفی و اجتماعی توده ها را به یک مبارزه سیاسی با اهداف مشخص و روشن ارتقاء داد.

رفقا!

همان طوری که می دانید حزب ما همواره از منادیان اتحاد نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور و خصوصاً اتحاد عمل نیروهای چپ بوده است. سازمان شما و حزب ما در گذشته ای نه چندان دور این روند را تا حد وحدت تشکیلاتی پیش بردند و در این راه کوله بار مهم و با ارزشی از تجربه را امروز با خود به همراه دارند. امر هماهنگی، اتحاد عمل و حتی وحدت سازمانی نیروهای چپ همچنان یکی از اصول مبارزاتی ما در شرایط حاضر است. ما امیدواریم که حزب ما و سازمان شما در آینده بتوانند بر مشکلاتی که بر سر راه بسط روابط و همکاری های سازمان شما و ما وجود دارد فائق آیند و با توجه به سابق و علائق تاریخی که میان سازمان شما و حزب ما وجود دارد گام های مشترکی را در راه مبارزه سرنوشت سازی که پیش روی ما قرار دارد بردارند. اجازه دهید تا باردیگر گرم ترین دروهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و کلیه اعضا و هواداران حزب توده ایران را به شما رفقا تقدیم کنم برای پنجمین کنگره تان موفقیت آرزو نمایم»

ادامه لغو تبصره ضد کمونیستی ...

سازمان های صنعتی CIO (این کنگره با کمک کمونیست ها و نیروهای مترقی در سال ۱۹۳۸ تشکیل شد و در عرض مدت کوتاهی میلیون ها کارگر در بخش های مختلف صنعت در آمریکا را در این اتحادیه متشکل کرد. بعد از جنگ جهانی دوم و شروع جنگ سرد دولت آمریکا اقدام به دستگیری و زندانی کردن رهبران حزب کمونیست آمریکا کرد و فعالیت کمونیست ها در اتحادیه را غیر قانونی کرد. در سال ۱۹۵۵ AFL و CIO در یکدیگر ادغام گردید و اتحادیه سراسری کارگری آمریکا به وجود آمد) بخش ایالت مرلند، خود را بازنشسته کرد. او اعلام کرد که در ادامه هیستری ضد کمونیستی بعد از جنگ، دولت آمریکا قانون تافت- هارتلی (قانون ضد کارگری تافت- هارتلی مصوبه ۱۹۴۷ دولت آمریکا را موظف می نماید که در صورت لزوم حق اعتصاب کردن کارگران را از آنها بگیرد. از بندهای دیگر این قانون، غیر قانونی کرده اعتصاب های همبستگی با کارگران اعتصابی اتحادیه دیگر، بایکوت کردن برای اعلام پشتیبانی از کارگران اعتصابی، اجازه به سرمایه داران برای استخدام کارگرانی که عضو اتحادیه کارگری نیستند، و همچنین باز گذاشتن دست سرمایه داران برای جلوگیری از تشکل کارگران در اتحادیه ها را نام برد. نیروهای مترقی و اتحادیه های کارگری این قانون را «قانون برده داری» نامیده اند) را از مجلس گذراند. رفیق جرج مایر ادامه می دهد «فعالیت های دولت آمریکا ضد کارگران کمونیست در اتحادیه های کارگری در واقع اتحاد کارگران و زحمتکشان مترقی که در اتحادیه کارگری CIO گرد آمده بودند را از بین برد». وی در ادامه سخنان خود گفت: «خوشبختانه این نوع اتحادیه های مترقی بین زحمتکشان در حال شکل گیری دوباره در این دوران جدید است، این اتحادیه های مترقی کلید اصلی قدرت بخشیدن دوباره به جنبش کارگری و متحدین آنهاست».

۲۱- مین کنگره اساسنامه ی اتحادیه سراسری کارگران آمریکا، انتخاب مسؤولان اتحادیه را نیز از دو سال به چهار سال تغییر داد. نمایندگان همچنین تغییرات مثبت در دقیق تر کردن متن اساسنامه مبنی بر «وظایف و اهداف اتحادیه از جمله در بخش های عضوگیری، موضع گیری های سیاسی، اقتصادی و ناحیه ای شهروندان کشور» تصویب کردند.

در محکومیت ترور در ...

اروپا به این ترتیب نگرانی خود را در رابطه با وضعیت امنیت در الجزایر مطرح می کند. ما خواستار ارائه کمک های انسانی هستیم». قبلاً اتحادیه اروپا طی بیانیه ای خاطر نشان کرده بود که این نهاد از همه اقدامات مقامات الجزایر که در چارچوب حکومت قانون و پیگیری با حقوق بشر باشد حمایت می کند. لحن این بیانیه ها و تصمیم به فرستادن هیات تحقیق که علی رغم مخالفت دولت الجزایر صورت می گیرد به نوعی در راستای برخی اظهار نظر رسانه های غربی می باشد که مدعی هستند دولت الجزایر در برخی از این کشتارها دست دارد. مطبوعات اروپا مطرح کرده اند که برخی حملات ممکن است از ناحیه جناح هایی در داخل دولت سازمان داده شده باشد که درصددند از ادامه خشونت برای ادامه حکومت خود استفاده کنند. تصمیم اروپا به پافشاری در مورد هیات بازرسی و تحقیق حاکی از نگرانی محافل اروپایی در این رابطه نیست، بلکه از این روست که قتل عام های اخیر در منطقه ای صورت گرفته که مرکز تولید نفت و گاز الجزایر است. عدم ثبات و درگیری در این منطقه می تواند منابع حیاتی انرژی برای ایتالیا، اسپانیا و فرانسه را به خطر بیندازد. الجزایر صاحب منابع عظیم گاز است و پس از عربستان سعودی بزرگ ترین شریک تجاری عرب ایالات متحده است.

الجزایر اخیراً پیشنهاد کوفی عنان برای میانجی گری بین دولت و گروه های مسلمان را رد کرد. مصطفی بن منصور، وزیر کشور الجزایر برخی از کشورها را متهم کرد که نمی خواهند شاهد ثبات در جهان عرب باشند. فدراسیون جهانی اتحادیه ها یکارگری طی بیانیه ای در ۱۲ ژانویه ضمن اظهار همدردی با زحمتکشان الجزایر و محکوم کردن کشتارهای خونین اخیر خواستار برداشتن گام های جدی برای ایجاد امنیت زندگی برای مردم این کشور شد.

اطلاعیه حزب کمونیست آمریکا در مورد لغو تبصره ضد کمونیستی از اساسنامه اتحادیه سراسری کارگران آمریکا AFL-CIO

حقوق به حق کارگران با اتحاد تحقق می پذیرد، نه با ضد کمونیسم

نیرومند طبقه کارگر برای ایجاد کار و تصویب لایحه ایجاد کار در بخش دولتی معروف به لایحه مارتینز را به وجود آرند.

حزب کمونیست آمریکا تصمیم کنگره اتحادیه سراسری کارگران آمریکا AFL-CIO (اتحادیه کارگری آمریکا- کنگره سازمان های صنعتی) مبنی بر لغو تبصره ضد کمونیستی از اساسنامه اتحادیه را با شور فراوان تبریک می گوید. این تصمیم نمایندگان کنگره تمام اشارات منفی به حزب کمونیست آمریکا را نیز ملغی کرد. تصمیم شجاعانه لغو تبصره ضد کمونیستی از طرف نمایندگان کنگره کارگری فقط حذف ساده یک تبصره وارده دوران جنگ سرد نیست، بلکه اعلام جنگ علیه انحصارهای سرمایه داری و مبارزه برای حقوق به حق زحمتکشان است. این تصمیم اتحادیه سراسری کارگران تغییر اساسی برای دوباره سازی و فعال کردن جنبش کارگری می باشد. این حرکت شرایط مساعدی برای اتحاد و همبستگی بیشتر طبقه کارگر ایجاد می کند.

تبصره ضد دموکراتیک، تفرقه انداز، و ضد کمونیستی در اساسنامه اتحادیه سراسری کارگران آمریکا، در زمان جنگ سرد در سال ۱۹۵۵، جا داده شده است، در آن زمان مانند امروز انحصارهای سرمایه داری حمله خود را علیه حقوق و وضع زندگی مردم زحمتکش قرار می دادند، نیروهای راست گرا، نژادپرست، و ضد اتحادیه ها یکارگری و متحدین آنها در کنگره آمریکا مانند امروز فعالیت های ضد اتحادیه ای می کردند. دمیدن به شعله هیستری جنگ سرد پوششی بود برای تلاششان جهت طرد و اخراج نیروهای مترقی و مبارز از جنبش کارگری آمریکا.

به اصطلاح سوگند نامه ها و تبصره های ضد کمونیست اتحادیه ها که حاضر به کمر خم کردن در مقابل انحصارها نبودند. این سیاست های ضد کمونیستی که بیشتر به دنبال سراب رفتن است، خدمتی به انحصارهای سرمایه داری برای درهم شکستن جنبش کارگری و تبدیل آن به طعمه ای در دست سرمایه داران است. قوانین ضد کمونیستی، تعقیب و ارباب، و بازداشت و زندانی کردن نیروهای چپ در اتحادیه های کارگری زمینه عقب نشینی در جنبش کارگری را به دنبال داشت.

اعضای حزب کمونیست آمریکا تاریخ پر افتخار بسیج، تشکل، و دفاع از جنبش کارگری را همراه دارد. هزاران عضو فعال حزب کمونیست آمریکا در سال های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در اتحادیه های کارگری مبارز CIO نقش فعال در بسیج و تشکل کارگران صنایع مادر ایفاء کردند. بهترین نمونه دبیر اول حزب کمونیست آمریکا، رفیق گاس هال، می باشد که یکی از بنیان گذاران اتحادیه کارگران ذوب آهن آمریکا و از رهبران اعتصاب معروف کارگران کارخانجات ذوب آهن معروف به لیتل استی در سال ۱۹۳۷ است...

لغو تبصره ضد کمونیستی نشان دهنده قدرت و اعتماد به نفس در جنبش کارگری آمریکا است و زمان آن مصادف با پیروزی های اخیر کارگران ذوب آهن ولینگ بیت UPS است. با اتحاد، نه سیاست های ضد کمونیسم، میلیون ها کارگر به اتحادیه های کارگری خواهند پیوست. اتحاد، نه سیاست های ضد کمونیسم، جنبش قدرتمند همبستگی کارگران و زحمتکشانش را به وجود خواهد آورد که قادر خواهد بود نیروهای راست در کنگره را در هم شکند. اتحاد، نه سیاست های ضد کمونیسم، حمله ارتجاع به قوانین برابری و مساوات و حقوق اقلیت ها را به عقب می نشاند.

اتحاد، نه سیاست های ضد کمونیسم، جنبش توده ای وسیع را به وجود می آورد که قادر خواهد بود سیاست های نفتا و فست ترک (لایحه مطروحه در مجلس، رئیس جمهور را قادر می کرد بدون تصویب مجلس قراردادهای کلان بازرگانی خارجی با دول دیگر ببندد. این لایحه با مخالفت نیروهای مترقی و اتحادیه های کارگری و بسیج عمومی در اواخر ماه اکتبر ۱۹۹۷ شکست خورد) دولت آمریکا را به شکست برساند. اتحاد، نه سیاست های ضد کمونیسم، کمک خواهد کرد تا کارگران جنبش

اتحادیه سراسری کارگران آمریکا AFL-CIO بند قدیمی ضد کمونیستی در اساسنامه خود را ملغی کرد

با سخنرانی و پیشنهاد آقای جیمز کاونا در ۲۱- مین کنگره (کنگره در ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۷ در شهر صنعتی پیتسبورگ در ایالت پنسیلوانیا تشکیل گردید) بازبینی اساسنامه اتحادیه سراسری کارگران آمریکا در ارتباط با حذف تبصره عضویت کمونیست ها در اتحادیه های کارگری با دست زدن های ممتد نمایندگان مورد تایید قرار گرفت.

آقای کاونا، رئیس فدراسیون کارگران جنوب مرکزی مدیسون در ایالت ویسکانسین، در مصاحبه با هفته نامه دنیای مردم (ارگان حزب کمونیست آمریکا) گفت: پیشنهاد لغو بند ضد کمونیستی از اساسنامه اتحادیه سراسری کارگران آمریکا را سال ها است پیشنهاد کرده که حالا تصویب گردیده است.

آقای والتر جانسون، رئیس شورای مرکزی کارگران شهر سانفرانسیسکو اظهار خوشحالی از حذف این تبصره ضد کمونیستی از اساسنامه کرده و ادامه می دهد «با کنار گذاشتن این تبصره از اساسنامه یکی از ضعف هایمان را که پیشداوری و قضاوت در مورد مردم بود بر طرف کردیم».

آقای وارن گلد، رئیس شورای مرکزی کارگران نیوجورجیا در ایالات کنتیکت اظهار داشت که «این تغییر در اساسنامه، اتحادیه کارگران را آماده پذیرش کارگران مبارز و فعال خواهد کرد و در تحکیم وحدت و اتحاد زحمتکشانشان برای مبارزه علیه بیکاری و برای حقوق آنان کمک شایان خواهد بود».

رفیق جرج مایر، رئیس بخش کارگری حزب کمونیست آمریکا نیز این تغییر در اساسنامه AFL-CIO را قدمی مترقی و مثبت اعلام کرد. ایشان با اشاره به اینکه پیشنهاد لغو تبصره ضد کمونیستی از اساسنامه از طرف هیات اجراییه اتحادیه طرح گردیده ادامه می دهد «نه تنها حذف این بند از اساسنامه می بایست مدتها پیش از این انجام می گرفت بلکه این بند از ابتدا نمی بایست در اساسنامه وارد می شد».

رفیق جرج مایر در سال های ۱۹۴۰ برای شرکت در جنگ جهانی دوم علیه فاشیسم به نیروی هوایی پیوست و از سمت ریاست شورای کارگری، کنگره

ادامه در ص ۷

کمک های مالی
رسیده
مونا از هلند ۲۰۰ گیلدن
آزین از کردستان ۳۰۰ گیلدن

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:523
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

20 January 1998

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۳۲۲۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse